

عنوان مقاله:

بررسی تجربه عرفان انفسی و آفاقی در مثنوی مولوی

محل انتشار:

سومین همایش متن پژوهی ادبی (نگاهی تازه به آثار مولانا) (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسندگان:

محدثه السادات رضایی کلاته میرحسن - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی. عضو گروه زبان و ادبیات دانشگاه خیام مشهد

نگار عضو امینیان - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی گرایش ادبیات عرفانی دانشگاه فردوسی. عضو گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خیام

علیرضا عابدیان - دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی. مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خیام

رضا بهرامی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی. عضو گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خیام

خلاصه مقاله:

مولوی در اشعار خود با به کارگیری آموزه های عرفانی در قالب داستان به سبک ویژه ای دست یافته است که در مثنوی معنوی این آموزه ها با زیباترین تعبیر شاعرانه بیان می شود؛ تجارب عرفانی وی که در نهایت به درک حقیقت غایی نایل می گردد از نوعانفسی و آفاقی است. در این جستار به بررسی توصیفی- تحلیلی تجربه انفسی و آفاقی مولانا در دریای بیکران مثنوی پرداخته شده است که در تجربه انفسی، عارف با تکیه بر مجاهده و تزکیه نفس از قید عالم محسوسات رها می شود و به وجود مطلق و حقیقت غایی می رسد اما در تجربه آفاقی، عارف کثرت و تعین اعیان خارجی را بانگاهی متفاوت دگرگون می کند و واحد را در آنها متجلی می بیند. در مثنوی عرفانیمولوی هر دو سنخ این تجارب عرفانی دیده می شود؛ گاهی مولوی در راه رسیدن به حقیقت از ذکر، ریاضت، خوف و رجا، فنا و ... بهره می گیرد که همه از سنخ تجارب انفسی هستند و گاه از عالم تکثرات به وجود حقیقت مطلق دست می یابد که مسالهومحدت وجود در کلام وی نمود می یابد و این درک عرفانی از سنخ تجارب آفاقی به شمار می آید.

کلمات کلیدی:

مولوی، مثنوی، تجربه انفسی، تجربه ی آفاقی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/639619>

